

## صلح اشرف غنی و جایگاه مخالفان در قریئت مذهبی استاد سیاف !



### مکتی بر تنگناهای دالری صلح بین الافغانی !

اگر بگوئیم که این برادر عزیز مان حضرت استاد عبدالرب رسول سیاف مالک چندین شبکه مافیائی آدم ربائی به سر دسته گی آقا ممتاز برادر زاده اش ، رئیس پوهنتون دعوت ایضاً بنیانگذار شبکه ۲۴ ساعته رادیو تلویزیون دعوت ، هکذا مالک هزاران هکتار زمین غنیمت گرفته شده در کاریزمیر و پغمان از روزی که با عصای محمد عمر خان داؤد زی رئیس بخش سیاسی جبهه حراست و ثبات برهبری حضرت عبدالرب رسول سیاف و مالک بزرگترین مرکز تجارتي عمر داؤد زی در شهر کابل که تازه و از راه گروه بین المللی الکوزی به خانقاه ارگ یا همان شرکت بین المللی خطیب العالمی پیوسته ریاست لویه جرگه مشورتی صلح را مزین فرموده است الی یومنا هذا ! صد ها گام بلند در تعمیر و ترمیم ریاً کارانه حضور خود در رکاب نظام کنونی برداشته است . البته سخنی به گزافه و خلاف واقعیت نه گفته ایم هر چند همه خواننده گان عزیزمان یک صدا بفرمایند که نه خیر گفته ایم !



### سیاف و برداشت کوفته ای از فرآیند صلح با مخالفان !

مثلاً همین چندی قبل آنگاه که سخنگوی انلاین جنگجویان موسوم به طالبان مسؤلیت انجام عملیات انتحاری بر تأسیسات شبکه مافیائی من جمله هتل سپور می وابسته به استاد عبدالرسول خان سیاف را که گفته می شود از غنائیم و من وسلوای جهاد مقدس پنداشته میشوند بر عهده گرفت ، مبارک استاد عزیز به جوش آمد و در یک منبری که به مناسبت هفته شهید برپاشده بود حضور یافت که فضائل و مناقب تقدیس شده خشونت با چاشنی صلح را با چنین ادبیاتی بیان داشته بود :

<https://vimeo.com/333956408>

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ۚ ذَلِكَ لَهُمْ حُزْنٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ... خدا می گوید که این مردم در زمین بر فساد جولان دارند ، اینها با خدا ورسول در جنگ هستند ، اینطورنه گفته که اینها رابکشید ، قرآن می گوید که اینها را خوب بکشید ، خوب ...معنای خوب کشتن را می فهمید که به زجر بکشید ، به زجر بکشیدشان ! خوب به دار بزنید شان ، یعنی باینین که یکماه مردم سیل شانرا کنند ! خوب دست راست وپای چپ اش را قطع کنید و خوب از روی زمین گم شان کنید !مه برایتان می گم از پشت همین مایکروفون بر سرتان صدا می کنم ، پنج نفر از همین جنایت کاران

متکرری که انتحاری را بیار ببر ، بمب را بیار ببر و فساد در زمین کن ، پنج نفر شانرا در پنج دروازه کابل برای یک هفته آویزان کنید ... اگر بعد از آن شما انتحاری را در کابل دیدید بیاید مرا عوض شان آویزان کنید ... همین کار یکدفعه شود ، وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ !! العیاذ بالله ، العیاذ بالله ! گپ خدا خو دروغ نیست ! برایتان گفته که در قصاص برایتان زندگیست ؛ ای صاحبان خرد ! اگر یکنفر کشته میشود صد ها نفر دیگر حیات اش در امن میشود ، ... برای من که یگان نفر می گوید که استاذ ضرور نبود که این قدر سخت گپ میزدی !! ..... گپ واضحی است روشن است تا حدود تطبیق نه شود در این ملک امن نه می آید ! تا که با لا دستی نباشد مثلی که مارشال صاحب گفت ! در این ملک صلح نه می آید ! صلح باید از جانب مقابل پیش شود ! وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ! با ن که آنها میل (صلح) پیدا کند میل وقتی پیدا میکند که کوبیده شود ! و کوبیدن اش را مه حال برایتان میگوئیم ، باز هم میگوئیم ، باز هم میگوئیم که غیر از مجاهد بخدا اگر کسی دیگر او را کوفته بتواند !! ملاحظه فرمودید ؟ حضرت سیاف رهبر شوالیه های شبه مجاهد چه تعریفی از صلح داشته است ؟ از نظر حضرت استاد معظم سیاف صلح یعنی نوع کشتاری که توام با شکنجه و آزار مخالفین با شیوه کوبیدن بوده باشد و سرانجام به مرگ آنها با نجامد !! در چنین حال و احوال بوده که حضرت استاد به عنوان شیخ الحدیث و رهبر گانگستر های که لباس مجاهدین را بر تن نموده اند در مقام "ریا" است لویه جرگه صلح ظهور کرد و به عنوان خطوط سرخ قطعنامه صادر فرمود .

<https://www.youtube.com/watch?v=JyD27x70AQA>

امابا فراموشی از آنچه که قبلاً در زمان و مکان دیگری به عنوان نصوص دین مقدس اسلام مخالفان را معاندان با خدا و رسول نامیده و آنها را در همین دنیای فانی مستحق مرگ توام با شکنجه خوانده بودند ، این بار با ادبیات دیگری و توصل به همان کتاب مقدس الهی در باره مخالفان چنین بیان داشتند :

<https://www.youtube.com/watch?v=3n2Z473pjzk>

عامل اساسی کشمکش بین تحریک طالبان و عموم ملت که در اینجا نمائنده های شان نشسته اند اختلاف قرئت و دیدگاه در مورد احکام اسلام است . اگر این اختلاف را ما رفع کنیم نود درصد مشکل رفع می شود و ما در اینجا در پیشنهاد های خود همین را داریم که باید یک مجمعی از علما بعد از این که گپ های صلح شروع میشود تشکیل شود در هر موردی که اختلاف نظر وجود دارد ، اختلاف برداشت وجود دارد او باید رفع شود و این قرئت و دیدگاه باید توحید شود . ما بارها گفته ایم همان کتاب هدایه ای که در ورق های زرد چاپ شده چاپ قدیم است . شما باور کنید که در همین مدارس دینی رسمی شما بروید همین کتاب را می خوانند وقتی که در مدارس خصوصی بروید همان کتاب را می خواند ، هیچ تفاوت در کتاب نیست ، تنها و تنها تفاوت در این است که آنها بر سر بالشت همان کتاب را مانده است و می خوانند و ما در سرمیز او را مانده ایم و میخوانیم .



کتاب یک کتاب است ، مسأله یک مسأله است و مصادر تشریح پیش آنها هم کتاب الله و سنت رسول الله و اجماع و قیاس است مصادر تشریح پیش ما هم عین چیز است ، هیچ تفاوت ندارد دین ما یکیست ، خدای ما یکیست ! قبله ما یکیست ؛ پیغمبر ما یکیست و پنج وقت نماز را آنها هم می خوانند و ما هم میخوانیم همین حالی شما پیشنهاد کردید که در روزه اوربند شوه این روزه ، روزه ما هم هست و روزه

همون ها هم است! بخاطر خدا و بخاطر دين خدا! بخاطر بزرگداشت به خون يك يك مسلمان كه يك قطره خونش را هم در آن دنيا كسى جواب گفته نه ميتواند بايد به ندى صلح همه گى لييك بگويند !!

<https://www.youtube.com/watch?v=b8N9hRE7GU>

## قطعنامه يا نقشه راه ديجتلى ارگ نشينان!

اما با صد تأسف بايد گفت كه على الرغم تلاش هاى يکجانبه و خواست اصلى حاکمان ارگ از تدوير چنين نشست هاى تشریفاتی و سرکس گونه اى كه حتى عوام كالانعام نيز ميدانيستند و از طومار هاى ذلت بارى آن با اندك تفاوتى حدس ميزدند كه از آن براى چه منظورى استفاده خواهند شد! چنانچه شنيديد آقاى اشرف خان غنى روى منبر رفت و در يك سخنرانى آتشين با ادبيات غير متعارف با عرف ديپلماتيك از قطعنامه طومار گونه شركت كننده گان با چنين واژه هاى بلند بالا تمجيد بعمل آورد و اظهار داشت: من قطعنامه تان را شنيدم، بعد از اين اين قطعنامه نيست بلكه نقشه راه و پروگرام عمل دولت افغانستان است!! جناب استاده؛ پس له دى نه توكلت على الله! تمام اقدامات ادارى كه براى پيگيرى و عملى سازى اين قطعنامه نياز است روى دست گرفته خواهد شد شما انشاء الله و تعالى شاهد اقدامات سريع و شفاف ما خواهيد بود.... ادارات مرتبط به صلح از طريق فرستادن پيام هاى كتبه ذريعه تلفن با هريك شما بصورت دوامدار در تماس خواهند بود و انكشافات را پيام خواهند داد يعنى جرگه بعد از اين بصورت ديجتال ادامه خواهد داشت...!! هنوز اعضاى جرگه مشورتى كه در خيمه لويه جرگه مشغول تناؤل و تناقل بودند **ذبيح الله مجاهد** سخنگويى دائيم انلائن جنگجويان طالبان پس از آنكه آخرين پرده سريال خونين موسوم به لويه جرگه صلح با نقش اول شيخ الحديث استاد سياف پايان يافت با انتشار طومارى در پاسخ به حضرت شيخ الحديث بصورت واضيح اعلام داشت:

د کابل اداري د نيمې برخي د جرگي د پريکړو په اړه د اسلامي امارت د وياند څرگندونې



د نور په نهمه د کابل اداري د نيمې برخي لخوا چې مشري يې اشرف غنى کوي د لويې جرگي په نوم نمايشي غونډه رابلل شوې وه چې نن د بريکړه ليک په لوستلو سره يک ته ورسیده مور يې په اړه د لاندې څو ټکو يادونه ضروري بولو:

۱ - په ياده غونډه کې هغو خلکو په مطلق اکثريت گډون درلود چې په تير و اتلسو کلونو کې د امريکايي اشغالگرو په شاوخوا کې په لوړو او ټيټو پوستونو پاتې شوي او يا هم له روان اشغال سره همکار وو، دفاع يې ترې کوله او ډالري معاشونه يې اخيستل، نو ځکه يې بريکړي هم داشغالگرو او د هغوی د ملا تړو د بقا هڅه ده.

۲ - ياده غونډه په هيڅ ډول د اولس نماينده غونډه نه وه، حتی کابل ميشتو اکثريت سياسيونو او دکابل اداري د نيمې باقي پاتې برخي چارواکو هم بريکون ورسره کړي وو، لهذا دغه غونډه يوازي درنو مصارفو ته د بهاني لټولو، له خپلو ناکامو هڅو د ملت توجه لږولو، د اشرف غنى خپل خان مطرح کولو او له انزواڅخه را ايستلو يوه ناکامه هڅه وه.

۳ - په ډير افسوس سره چې د جرگي په څه باندې دريو زرو برخوالو کې داجرات بيدانشو چې په ملکي هيوادوالو باندې د اشغالگرو وحشيانه حملې، د هيوادوالو په کورو د نيمو شپو چاپي او په ملکي تاسيساتو او مقدسه اماکنو بيمارد او د بې دفاع هيواد والو سين ژيرو، شخو، ځوانانو او ماشومانو شهادتونه وغندي، د دريدو غوښتنه يې وکړي او د بحران د حل او دفعې لپاره په اشغالگر جهت فشار وارد کړي، چې همدا خبره د نوموړي جرگي حيثيت ښه روښانه کولای شي.

۴ - اسلامي امارت وخت په وخت د مقابل لوري په سلگونو بنديان برسني، تداوی يې پرې کړي او د لاري کرايه يې ورکړي، ( چې په تيرو نږدې ورځو کې دبادغس په مرغاب کې ترسلو د زياتو کسانو ازادول يې وروستې بيلگه ده) مور دا کار داسلامي اخلاقو او ښه نيت له مخې کړي او همدا مو تگ لاره ده چې ان شاءالله دوام به ورکوي.

۵ - واقعيت دادی چې افغانستان د امريکا لخوا اشغال شوی، د قرآني ښکاره نصوصو له مخې د دې ملت په هر مسلمان وگړي د اشغال په ضد جهاد فرض عين دی، ترهغو چې د اشغال کمبله په ټوليزه توگه نه وي ټوله شوې، د واقعي او سوچه اسلامي نظام د اقامې لپاره لاره نه وي پرانستل شوې، جهاد لکه څرنکه چې وو هغسې به فرض وي او څوک يې د توقف او ځنډولو توان نه لري، د اسلام د مبارک دين احکام هم ثابت او مدون دي، چې تفسير، تعبير او تشریح يې شوي ده،

از اينکه جهاد فی سبيل الله از تمامی عبادات بهتر است و انجام آن در ماه مبارک رمضان به تناسب ايام ديگر موجب ثواب بيشتري می گردد ، و مجاهدين امارت اسلامی افغانستان در ماه رمضان و غيررمضان با مردم عوام از احتياط بيشتري کارميگيرد لزومی ندارد که در ماه مبارک رمضان انجام

چنین فریضه را تعطیل نمود.!!!! ما که هر چند با گفتمان شریعت گرای غیر عقلانی و غیر اجتهادی که قرنت تاریخی متعلق به موقعیت ماقبل دولت است چندان میانه خوبی نداریم براین باوریم که آثار و رسوبات چنین گفتمان فقهی بر تمامی مراحل تکاملی یک جامعه تأثیر فروانی دارد. هکذا نسبت دین و جامعه در گفتمان یا قرنت متحجرانه معاصر چنانچه بارها بدان اشاره نموده ام از مدل پروکروستی تبعیت میکند، پروکروست رهن افسانوی معروف یونان باستان بود که در کوه ها و گردنه ها راه بر کاروانیان می بست و اموال آنانرا به غارت می برد اما پروکروست تنها بر دزدی و غارت قافله اکتفا نه می کرد بلکه دستور میداد تا یکایک کاروانیان را بروی تخت آهنی ای که داشت بخوابانند



هرکسی که قدو اندازه شان از طول تخت آهنی کوتاه تر بود به فرمان پروکروست که سر دسته غارتگران بود آنقدر از پاها و سر میکشیدند تا به اندازه تخت شود و اگر قدی بلندی داشت فرمان میداد تا از ناحیه پا اندازه اضافی را اره کنند تا کاملاً در قالب تخت آهنی قرار گیرد، از نظر حامیان و مبلغان گفتمان بنیادگرای شریعتمدار مدار مذهبی اسلام تخت آهنی است که باید انسان و جامعه را در درون آن قرار داد و کم وزیادهای آنرا با برش یا کشش قالب بندی کرد. ریشه تناقض معرفت شناختی قرنت سنگواره و استوار بر فقه تاریخی را اگر با صغری و کبریای ادبیات و ترمنولوژی مدرن نیز عرضه کنند در همین جا قرار دارد زیرا پویائی تکاملی انسان و جامعه است که کالبد های فکری آنها را متحول میسازند و به رشد لازم میرسانند. چنانچه استاد عبدالرب رسول سیاف یکی از تیوری پردازان جهادی و جاده صاف کن نظام حاکم مافیائی در حوزه اقتصادی که طبق ماده دهم قانون اساسی افغانستان (دولت، سرمایه گزاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن ها را تضمین می نماید.) خود نیز بر این واقیعت اعتراف کرد که به قول وی

<https://www.youtube.com/watch?v=6bM8wRXFGc0>

بارها گفته اند که "کتاب هدایه ای که در ورقه های زرد چاپ شده چاپ قدیم است شما باور کنید که در مدارس دینی رسمی شما بروید اونمو کتاب را می خواند وقتی که در مدارس خصوصی بروید نیز همو کتاب را می خوانند؛ هیچ تفاوت در کتاب نیست تنها و تنها تفاوت در این است که آنها بر سر بالشت اورا می مانند و ما بر سر میز اورا مانند می خوانیم. کتاب یک کتاب است! مسأله یک مسأله است و مصادر تشریح پیش آنها هم کتاب الله و سنت رسول الله و اجماع و قیاس است. هیچ تفاوت ندارد. خدای ما یکیست، قبله ما یکیست، مصادر تشریح پیش ما هم عین چیز است، پنج وقت نماز آنها هم میخوانند ما هم میخوانیم... همین حالی شما پیشنهاد کردید که در روزه اوربند (آتش بس) شود این روزه، روزه ما هم است و از آنها هم است، بخاطر خدا و بخاطر دین خدا بخاطر بزرگداشت به خون یک مسلمان که یک قطره خون وی اگر ریخته شود کسی در او دنیا جواب گفته نه میتواند باید به نگاه صلح همه گی لبیک بگویند...." گاهی اوقات برخی از عزیزان سوال میکنند که ما بالاخره از خطوط سرخ این مرشد عزیزی که ما و شما با گوشهای گنهکار مان شنیدیم که می فرمود صلح نه می آید مگر اینکه که مخالفین را به زور شمشیر وادار به صلح کرد! ملاحظه فرمودید این برادران و خواهران پس از پنج روز بحث طلبگی و تحقیق زیربنائی در خیمه گاه لویه جرگه که به نام لویه جرگه صلح گردهم آمده بودند چگونه به این نتیجه رسیدند که جنگ راه حل نیست باید تن به آشتی میان مسلمین داد؟!.

یا هو